

خط و تذهیب در قرآن‌های ایرانی

موزه ملی، بخش اسلامی

سده‌های هفتم - دوازدهم / اول - ششم

چکیده:

نسخه‌های خطی قرآن، از جمله آثار با ارزش و معتبری هستند که زینت‌دهنده‌ی بسیاری از موزه‌های داخلی و خارجی می‌باشند. بخش اسلامی موزه ملی ایران به عنوان موزه مادر و شاخص در ایران، از جمله موزه‌هایی است که آثار مهم و با ارزشی چون نسخه‌های خطی قرآن از سده‌های اولیه اسلام تا دوران اخیر در آن نگهداری می‌شود. در این موزه بیش از ۱۰ عدد از نسخه‌های معتبر مربوط به سده‌های هفتم - دوازدهم / اول - ششم موجود است که هر کدام دارای ویژگی‌های منحصری می‌باشند.

ویژگی‌های این نسخه‌ها، به جهت آنکه جزء اولین خطوط و تزیین‌های به کار رفته در قرآن بوده، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و بررسی آنها فرصتی مناسب برای درک اندیشه‌های خلاق هنرمندان این آثار می‌باشد. هدف این مقاله بررسی ویژگی‌های خطی و تذهیبی قرآن‌ها موجود در موزه ملی ایران است. از این روی به تحلیل و بررسی خطوط و شیوه تذهیب به کار رفته در قرآن‌های سده‌های اولیه می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: نسخه‌های خطی، قرآن، خط، تذهیب

مقدمه:

خوشنویسی را به عنوان شاخص‌ترین هنر در پهنه‌ی سرزمین‌های اسلامی می‌توان مانند زبان هنری مشترکی برای مسلمانان تلقی کرد. مسلمانان هنر خوشنویسی را هنر تجسم کلام وحی می‌دانستند.^۱ تکامل و تبدیل خط به هنر خوشنویسی از ابداعات مسلمانان است و در قرآن در آیات «ن، والقلم و ما یسطرون» و «الذی علم بالقلم»^۲ به خط اشاره شده است. پس از گسترش اسلام در سراسر شبه جزیره عربستان، ایران، ماوراءالنهر و ... زبان عربی جایگزین زبان اقوام ساکن در این مناطق شد و خط عربی جای خطوط قدیمی را گرفت. خط عربی که پیش از ظهور اسلام نگارشی ساده و کاربردی محدود داشت، به سرعت با خطوط دیگر در آمیخت و به کمال رسید. خوشنویسی در همه‌ی کشورهای اسلامی به

دلیل محدودیت نسبی سایر هنرها همچون نقاشی، مجسمه‌سازی و موسیقی و حتی گاهی حرام شمردن آن‌ها، همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است.^۳

مسلمانان، هریک به فراخور دانش و ذوق و توان خود و در هر جایگاه معنوی در بسط و نشر آداب قرآن کریم عاشقانه و از روی اخلاص، منتهای همت خود را به کار گرفته تا بتوانند این کلام آسمانی را به زیباترین شکل ممکن به بشریت عرضه کنند.

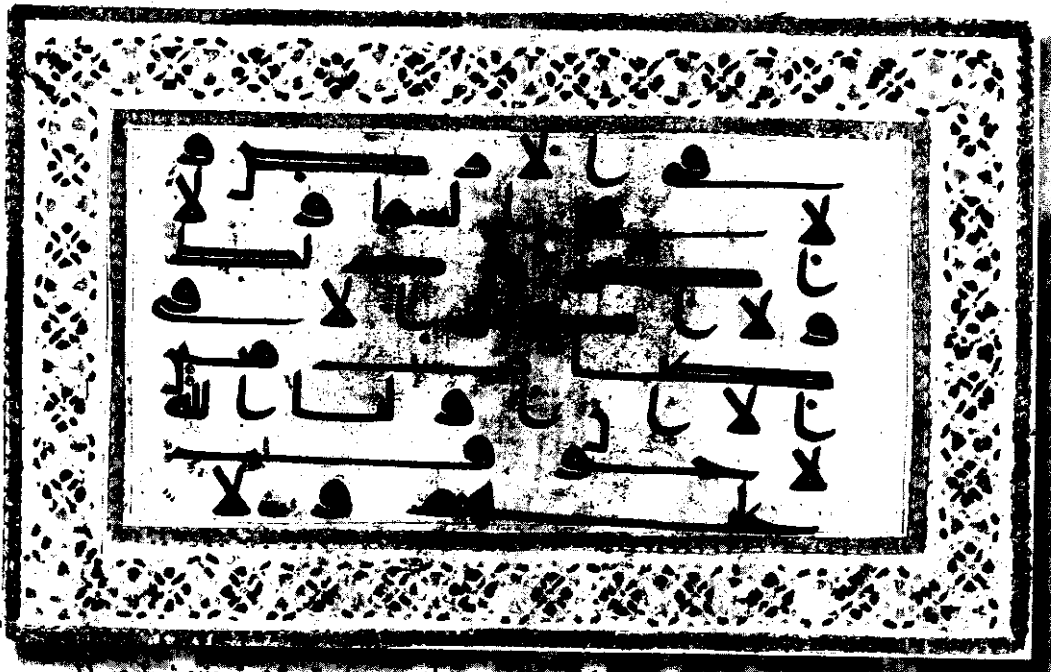
در این میان هنرمندان ایرانی نیز تمام هم و غم خود را بر این کار گذاشته و خطاطان، مذهبیان و دیگر هنرمندان رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی آن را سرلوحه خود قرار داده تا جایی که خوشنویسی به عنوان هنری مقدس و ایرانی - اسلامی قلمداد شده است. بزرگانی از تبار خط و خوشنویسی آثار جهانی را خلق کرده‌اند که در اکثر موزه‌های دنیا موجود می‌باشد از جمله می‌توان به این مقله شیرازی، یاقوت مستعصمی، میرزا احمد نیریزی و ... اشاره کرد که از افتخارات ایرانیان می‌باشند.

در این مقاله با نگاهی به سیر تحول و ویژگی‌های خطی و تذهیب‌های قرآن‌های سده‌های اولیه، به بررسی نسخه‌های خطی قرآن موجود در موزه ملی ایران می‌پردازیم.

زمینه‌های فرهنگی تاریخی خوشنویسی تا سده دوازدهم / ششم

از دیرباز ایرانیان، به هنر، توجه خاص داشته‌اند. کنده‌کاری‌های زیبا بر ظروف مس و به‌کارگیری نقش‌های متنوع همراه با رنگ‌های دلفریب و چشم‌نواز بر روی قالی و گلیم، هم‌چنین استفاده از هنر، در معماری و زیباسازی بناها، در ظروف سفالی و شیشه‌ای و ... همه نمایانگر آن است که ایرانیان، هنر را جزیی از زندگی روزانه‌ی خود به شمار می‌آوردند.

قبل از ظهور اسلام زبان و خط ایرانی، پهلوی و کتب علمی و سیاسی و ادبی با این خط نوشته می‌شد و کتابهای مذهبی به خط اوستا نگاشته می‌شد. پس از نفوذ اسلام، شهرهای ایران، یکی پس از دیگری خط عربی را اقتباس



مضریب شماره ۲۱ قسمتی از قرآن کریم، خط کوفی، کاغذ پوست آهو، سده‌های ۱۲ و ۱۳ ق. منبع: ش. ۱۱

کرده و از آن پس ایرانیان به خط کوفی و سپس به خط نسخ می‌نوشتند.^۵ از زمان بنی‌امیه، نسخ و کوفی پایه‌های یکدیگر توسعه یافتند، اما خط کوفی ویژگی کتابت متن‌های مذهبی بود و نسخ در امور اداری به کار می‌رفت. تا آنجا که حتی وقتی در سده دوازدهم/ ششم، خط کوفی، رو به پیچیدگی و ناخوانی گذاشت، به جای استفاده از خط نسخ، خطاطان چون ابن‌مقله، دست به ابداع خطوط جدیدی (محقق و ریحان) زدند تا این نیاز، یعنی کتابت قرآن را برآورده سازند البته خط نسخ در انتهای راه تطور خطوط نهایتاً، تبدیل به خط قرآنی شد.^۶

جهت پارهای ظرافت را نداشت و هنر تذهیب نیز مراحل طفولیت خود را طی می‌کرده است. این هنر، نقش چندانی در تزئین آیات نداشته و به صورت نشانه‌های انتهای آیات به کار می‌رفت.^۷ به تدریج طرح‌های تذهیب مفصل شده، تعداد ترنج‌های حاشیه بیشتر؛ نقوش ظریفتر و استفاده از رنگها متنوع در تذهیبها شایع‌تر شده است. ترنج‌های حاشیه از شکل برگ مانند خود خارج، بعضی کمی نوک تیزتر و شبیه درخت سرو بوده و بعضی کاملاً گرد و شمشه مانند می‌باشد. نقش سرسوره‌ها مفصل‌تر و با حاشیه و گره چینی داخل آن محصور شده است، زمینه سرسوره‌ها را عموماً به وسیله نقوش اسلیمی و طلا اندازی زمینه نقوش نموده و از ترنج‌های حاشیه نیز استفاده شده است. با تغییرات در طرح، تغییر در رنگ هم به وجود آمده و رنگ جایگاه ویژه‌ای در تذهیب می‌یابد. در اسلیمی‌ها، زمینه‌ی ترنج‌های کوچک و زمینه‌ی طرح اصلی از رنگ‌های متنوع قرمز، سیاه، آبی و سفید استفاده می‌شود. رنگها عموماً از نوع گیاهی و کانی بوده، طنین تند و درخشانی دارند.^۸

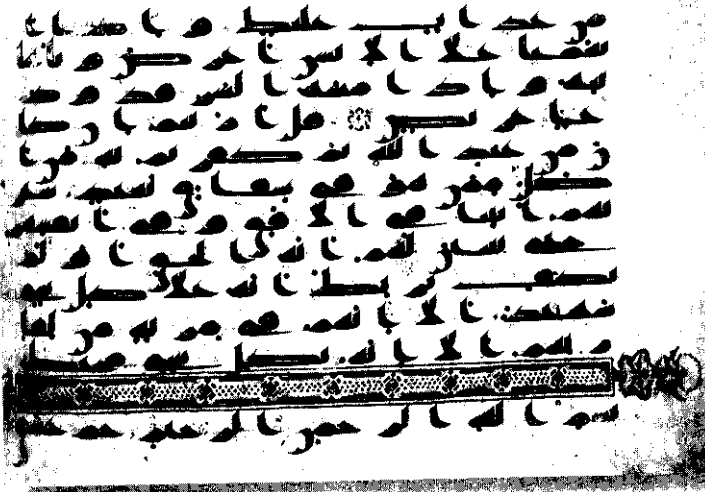
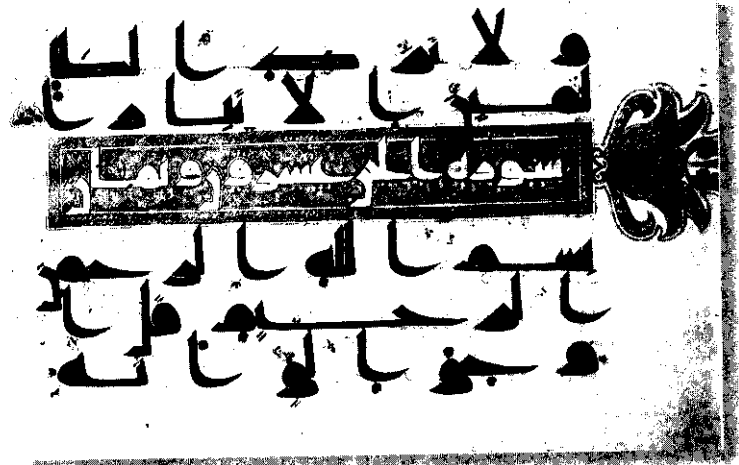
نباید انتظار داشت که از تمام قسمت‌های ایران به نسبت، مساوی قرآن‌هایی به خط کوفی یافت شود با آنکه خلایق عباسی به صورت یک سیستم مرکزی، بر سراسر امپراطوری عظیم خود، حکمرانی می‌کردند اما عملاً ایران، در دست حکومت‌های محلی، مانند غزنویان، سامانیان، آل‌بویه و ... اداره می‌شد. پس نوع سیاست‌های مملکت‌داری، شعبه مذهبی، علائق و سلاطین حاکمان، درجه اهمیت دادن آنها به فرهنگ و هنر و ... هر یک از این حکومت‌ها دخالت مستقیمی در تربیت هنرمندان و خطاطان آن زمان نداشته است. به طبع در این جریان، قشری از نسخه برداران پدید آمدند.^۹

به نظر می‌رسد که خط کوفی یکی از بهترین موقعیت‌ها برای هنرمندان و خطاطان بوده باشد. چرا که هم خود قابلیت تنوع و تزئین بسیار داشته و هم مختص نگارش قرآن بوده و مشروعیت خاصی داشته است که نهایتاً به گونه گونی خط کوفی و تزئینی شدن مفرط آن انجامید.

معنی لغوی تذهیب، زرانود کردن و طلا کاری است. در اصطلاح به نقوش تجریدی و انتزاعی گویند که با آب طلا یا هر گونه ماده‌ای که تلاکروی طلائی داشته باشد به منظور تزئین و آرایش خطوط به کار می‌رود. در صورتی که سایر رنگها نیز در یک اثر تذهیب به کار رود مرصع نامیده می‌شود.^{۱۰} در سده‌های نخست، یعنی تا حدود سده نهم/ سوم به دلیل آنکه نگارش آیات بر پوست حیوانات انجام می‌گرفت و پوست، آن نرمی و صافی لازم

در خصوص طراحی تذهیب در دوره سلجوقیان به تدریج ترنج‌هایی که در کنار سرسوره نقش می‌شد تغییر شکل مختصری پیدا کرده و از شکل برگ و درخت به تدریج انتزاع می‌یابد، بعضی نوک تیزتر و برخی گردتر و بیشتر شبیه شمشه، شده است. اغلب اطراف ترنج‌ها را یک خط نازک فرا گرفته که در انتها تبدیل به شرفه می‌شود. طرح اسلیمی متنوع‌تر و به کارگیری رنگ که تا این زمان محدود بود و اکثراً از رنگ طلائی با رنگ‌های دیگر در زمینه استفاده می‌شد، در طیف وسیع‌تری به کار رفت. نقش‌ها و تزئینات بر روی متن رنگ‌آمیزی شده پدیدار شدند. این رنگ معمولاً سرخ است و زمینه را با آن

تصویر شماره ۲ قسمتی از قرآن کریم،
خط: کوفی، کاغذ پوست آهو، سده‌های ۳ و ۴ ه.ق،
منبع ش ۲، ص ۲۳



تصویر شماره ۳ قسمتی از قرآن کریم،
خط: کوفی، کاغذ پوست آهو، سده‌های ۳ و ۴ ه.ق،
منبع ش ۲، ص ۲۹

می‌پوشانند. در صورتی که تصاویر موجود در مکتب بغداد بدون رنگ آمیزی
زمینه نقش می‌شده‌اند.^{۱۲}

در بررسی، تحلیل و تجزیه نسخه‌های قرآنی و مشخص نمودن تاریخ
برخی از آنها می‌توان به مواردی اشاره کرد:

(۱) **تعیین نوع خط:** نوع خط و تزئینات و سنجش و درستی و ریزی
آن نسبت به ابعاد صفحه برای مشخص کردن تاریخ احتمالی نسخه‌ها در
مقایسه‌ی آن‌ها با قرآن‌های سده‌های متأخرتر می‌باشد. ابعاد خطوط در ابتدا
به دلیل خصوصیات نوشتاری خط کوفی، درشت و عریض‌تر بودند که بعدها
با ورود خطوط دیگر از جمله نسخ، این نسبت تغییر و طول نسخه بزرگتر
شده است.

(۲) **تعیین نوع تذهیب:** از مهم‌ترین فاکتورهای ارزیابی نسخه‌ها، نوع
تذهیب آنها است چرا که این امر در قرآن‌های بدون تاریخ، کمک می‌کند با
قطعیت بیشتری درباره‌ی تاریخ احتمالی قرآن نظر داد. قرآن‌های اولیه فاقد
هرگونه تزئین بوده و این زینت دهی از اواخر سده‌ی هشتم/ دوم شروع
می‌شود. از این زمان به بعد یعنی تا سده دهم/ چهارم شاهد تحول عمده در
تذهیب هستیم.

البته نوع طراحی ترنج‌های حاشیه نیز که به این قاب مستطیل شکل
متصل‌اند تا حدی تغییر یافته و شکل برگ نخلی می‌یابند. تذهیب تا اواخر سده
دوازدهم/ ششم به همان صورت حفظ می‌شود و از حدود اوایل سده سیزدهم/
هفتم تغییرات اساسی چه به لحاظ طراحی چه به لحاظ رنگ‌گذاری، در آن

صورت می‌گیرد.

(۳) **مشخص کردن فرمت مصحف‌ها:** بدین معنی که قرآن‌های
خط کوفی به جهت ویژگی خاص این خط تا سده دهم/ چهارم که اقلام
سته تبیین می‌گردد، به صورت افقی نوشته می‌شوند و از سده‌ی دهم/ چهارم
به بعد است که ما شاهد کتب عمودی هستیم. این نکته نیز در تاریخ‌گذاری
مصحف بدون تاریخ می‌تواند عامل یاری دهنده باشد.

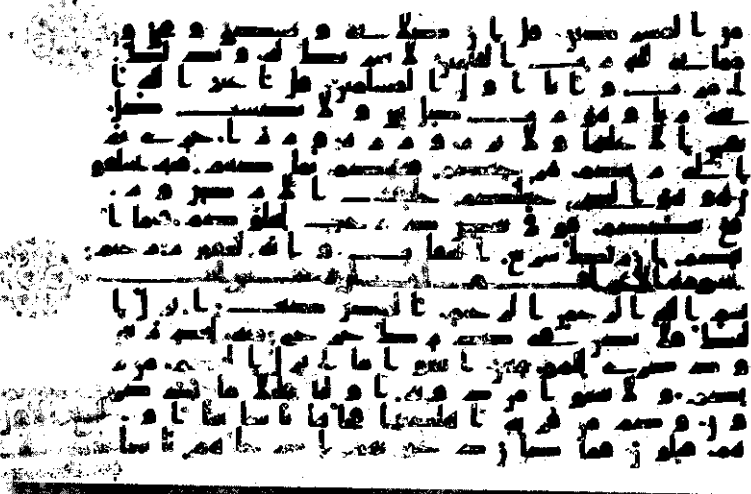
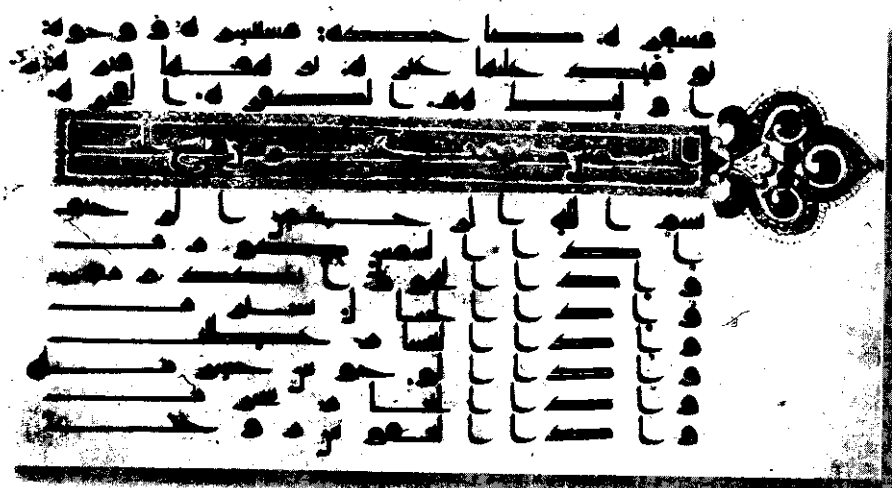
(۴) **اعراب و اعجام:** قرآن‌های قرون اولیه یعنی تا حدود اواخر سده‌ی
هفتم/ اول، بدون اعراب بوده و اعجام‌گذاری نیز از سده هشتم/ دوم به بعد
رایج شد؛ بدین ترتیب این عامل نیز در تاریخ‌گذاری، می‌تواند مؤثر باشد.

(۵) **جنس صفحات قرآن:** قرآن‌های قرون اولیه اغلب بر روی
پوست آهو نوشته می‌شوند، اما گاهی با قرآن‌هایی نیز برخورد می‌کنیم که
جنس آن‌ها از کاغذ می‌باشد.

تعیین جنسی صفحات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که به طور
غیر مستقیم اشاره به محل کتابت و تهیه آن دارد. بنا به نظر آنتینگ‌هاوزن
«ایالات شرق ایران به دلیل همسایگی با اسرای چینی ساکن در سمرقند، فن
کاغذ سازی را یاد گرفته و به کار بستند. اما در غرب تا حدود نیمه‌ی اول قرن
چهارم از پوست دباغی شده آهو برای نگارش استفاده می‌شد».^{۱۳}

قرآن‌های موزه ملی بخش اسلامی قرن اول تا ششم/
هفتم تا دوازدهم

تصویر شماره ۴ قسمتی از قرآن کریم،
خط: کوفی، کاغذ پوست آهو،
سده‌های ۲ و ۴ هـ.ق،
منبع ش ۲، ص ۲۱



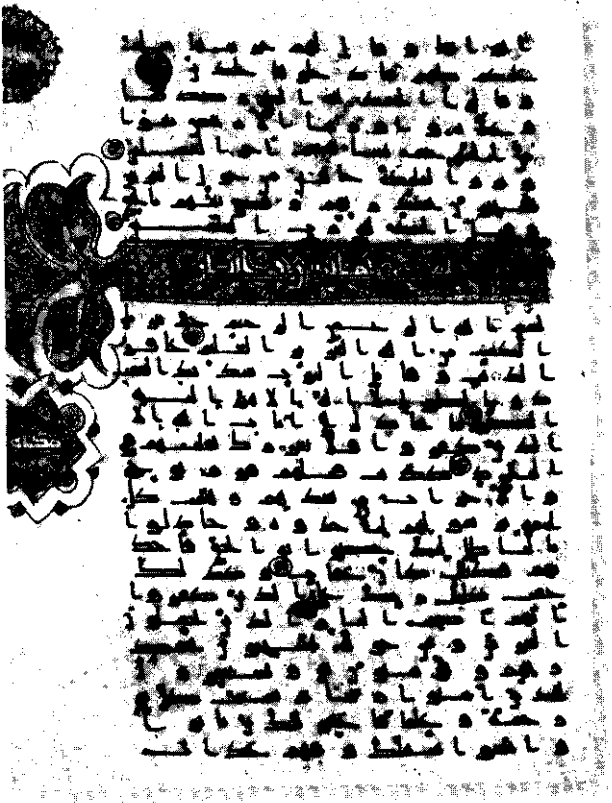
تصویر شماره ۵ قرآن کریم،
خط: کوفی، کاغذ پوست آهو،
سده‌های ۲ و ۴ هـ.ق،
منبع ش ۲، ص ۲۷

این نسخه بدون تاریخ است، به همین سبب کارشناسی موزه، تاریخ احتمالی سده‌ی نهم - دهم / سوم - چهارم را برای آن مشخص کرده است. اما به دلیل نوع تذهیب سرسوره‌ها، افقی بودن مصحف و همچنین بدون انجام بودن می‌توان آن را متعلق به اوایل سده نهم / سوم دانست. صفحات این قرآن از جنس پوست آهوست که می‌توان آن را طبق نظریه‌ی «آئینگهاوزن» متعلق به غرب یا جنوب غربی ایران دانست. این قرآن با آنکه جزئی از یک قرآن کامل است، اما جلد آن متعلق به خودش بوده و مرمت شده نیست. این قرآن دارای صفحات تذهیب شده‌ی بسیاری است و در انتهای آن رسماً وقفنامه‌ای از طرف شاه عباس صفوی به تاریخ ۱۶۲۷/۱۰۳۷ الصاق شده است، و نشان می‌دهد، این نسخه، قرآن نفیسی بوده و از حامی سرشناسی برخوردار بوده است. ابعاد آن ۲۶/۱۷/۳ سانتی‌متر و شامل بخشی از آیه‌های ۶۱ و ۶۲ سوره‌ی یونس می‌باشد.^{۱۵} جلد آن از بیرون تیماج قرمز با ترنج، کلاله و لچک بوده که زرانلود شده است. صفحه‌ی اول و آخر تذهیب و مرصع شده، دو صفحه‌ی بعد نیز دارای سر لوح تذهیب شده است و سرسوره‌ها با تحریر مشکی و تزیینات زر می‌باشد.^{۱۶} (تصویر شماره ۱)

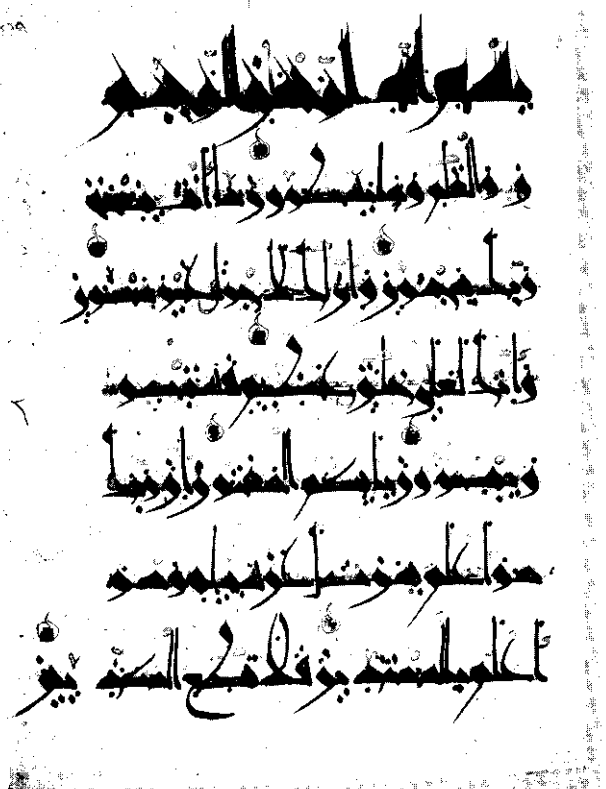
نمونه‌ی بعدی قرآنی به خط کوفی، از جنس پوست آهو می‌باشد مربوط به جنوب غرب ایران و متعلق به سده‌های نهم - دهم / سوم - چهارم به ابعاد ۳۱/۴×۲۳ سانتی‌متر که دارای ۱۵۴ صفحه است. این صفحه از قرآن دارای سرلوح تذهیب، علائم پایان آیات تذهیب، اعراب به صورت نقطه‌های شکرگرف یا سبز و مشکی به صورت هر پنج آیه یا ده آیه است و آیاتی از

موزه ملی ایران، در سال ۱۳۱۳ شمسی احداث و دو سال بعد در سال ۱۳۱۵ شمسی راه‌اندازی شد نقشه زیبای این ساختمان توسط آندره گدار، شرق شناس و باستان شناس فرانسوی، با الهام از سبک کاخ‌های ساسانی به خصوص سردر ورودی کاخ ملتان طاق کسری، طراحی کرده است. این موزه دارای دو بخش باستانی و اسلامی است که البته بخش اسلامی آن بعدها به این مجموعه افزوده شد. بخش اسلامی موزه ملی ایران، با آغاز فعالیت موزه در سال ۱۳۱۶ شمسی، کار خود را آغاز کرد. با توجه به اهمیت آثار دوره‌ی اسلامی طراحی و اجرای معماری داخلی موزه دوران اسلامی از سال ۱۳۲۰ با در نظر گرفتن هنر و فلسفه اسلامی شروع و سرانجام با حدود ۱۰ هزار متر مربع در سال ۱۳۷۵ افتتاح گردید. در این بخش بیش از ۶۰۰۰ اثر نگهداری می‌شود.^{۱۷} در بخش اسلامی موزه ملی ایران تعداد زیادی قرآن خطی از دوره‌های مختلف تاریخی وجود دارد. ۲۹ عدد از آنها قرآن‌هایی است که تا قرن ۶ هجری نوشته شده‌اند. از این تعداد، ۱۰ قرآن در صحن اصلی موزه جهت بازدید افراد و بقیه در مخزن نگهداری می‌شوند. در این میان، موزه اسلامی، کاتالوگی در ارتباط با قرآن‌های گنجینه‌ی اسلامی، نیز به نشر رسانده است که ۱۳ عدد از این قرآن‌ها مربوط به دوره‌ی مورد نظر ما می‌باشد.

اولین نمونه، قسمتی از قرآن کریم و نوشته شده بر پوست آهو است. خط آن کوفی اولیه بوده و در مقایسه با اندازه‌ی حروف نسبت به ابعاد صفحه، خط با قلم درشت نگاشته شده است.



تصویر شماره ۶ قرآن کریم، خط: کوفی، کاغذ پوست آهو، سده‌های ۲ و ۴ هـ.ق، منبع ش ۲، ص ۲۹



تصویر شماره ۷ قرآن کریم، خط: کوفی، کاغذ پوست آهو، سده‌های ۵ و ۶ هـ.ق، منبع ش ۲، ص ۲۱

که این قرآن به لحاظ زیبایی‌شناسی از درجه‌ی مرغوبیت پایین‌تری برخوردار باشد.^{۲۱}

تصویر شماره ۴، قسمتی از قرآن کریم به خط کوفی بر پوست آهو (اواسط جزء ۲۸ تا پایان جزء سی‌ام) که باز هم متعلق به سده‌های سوم - چهارم به ابعاد ۲۸×۱۸/۹ سانتیمتر در ۹۹ صفحه می‌باشد. این قرآن نیز همچون نمونه‌های دیگر دارای سرلوح مذهب و سرسوره‌ها شامل یک قاب مذهب است که عنوان سوره و عدد آیات با طلا نوشته شده است. اعراب شامل نقطه‌های سنگرف، دارای علائم پایان آیات (هر پنج آیه و هر ده آیه). این قرآن نیز «رقم الصاقی علی بن ابی‌طالب» را داراست، اما به جهت اعراب‌گذاری‌های رنگی و تذهیب سرسوره، نمی‌توان آن را منسوب به ایشان دانست. نکته مهم آنکه در این قرآن مقدار طلای زیادی به کار رفته، چنان‌که صفحات آغاز و انجام و سرسوره‌های قاب شکل آن با طلا تذهیب شده‌اند. به نظر می‌رسد که این قرآن نیز از نفایس زمان بوده و از حمایت‌کننده معتبری برخوردار بوده است. آیاتی که در این صفحه مشاهده می‌شود شامل آیات پایانی سوره عبس و آغاز سوره تکویر می‌باشد.^{۲۲}

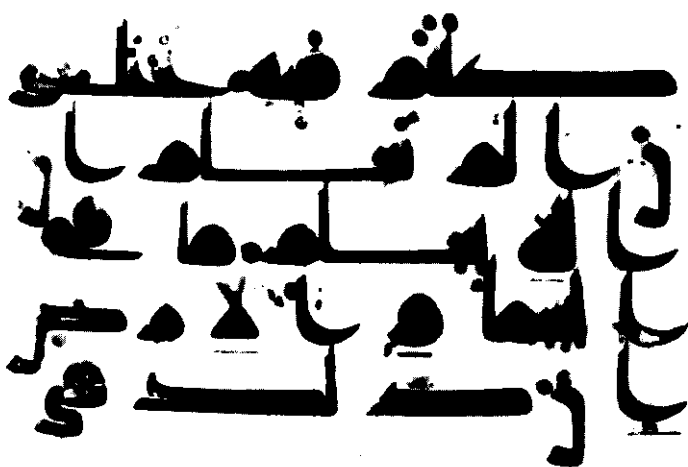
^{۲۳} (تصویر شماره ۴)

نمونه‌ی بعدی یکی از معدود قرآن‌هایی است که به طور کامل در یک جلد نوشته شده است. از آنجا که در این قرآن طلای بسیاری به کار رفته که نشانگر اعتبار و اهمیت حمایت‌کننده یا سفارش‌دهنده‌ی آن است و به طور رسمی وقفنامه‌ای از سوی شاه عباس صفوی در آن جایگذاری شده، آن را

سوره نوح و جن در آن نوشته شده است.^{۲۴} بنا به آنچه در پایان این قرآن آمده است، قرآن مذکور را حضرت علی (ع) در سال ۶۲۸/۷ نوشته است. اما این نسبت دهی درست نیست، چرا که قرآن‌های اولیه فاقد هرگونه اعراب‌گذاری و تزیینات تذهیب شده بودند در صورتی که این قرآن دارای اعراب‌گذاری، اعجام و تذهیب می‌باشد، و علاوه بر طلا از رنگ نیز در تذهیب آن استفاده شده است.^{۲۵} (تصویر شماره ۲)

صفحه‌ی دیگری از قرآن کریم که باز هم به خط کوفی بر پوست آهو نوشته شده مربوط به سده‌های نهم - دهم / سوم - چهارم با ابعاد ۴۰×۳۱ سانتی‌متر و ۴۶۴ صفحه می‌باشد. سر سوره‌ها شامل یک قاب مستطیل شکل است که با نقوش هندسی و گیاهی متنوع با رنگ‌های مختلف تزیین شده‌اند. رنگ‌های استفاده شده شامل سنگرف قهوه‌ای، زعفرانی، سبز و مشکی، اعراب کلمات به صورت نقطه‌های سنگرف و علائم پایان آیات، هر پنج آیه با یک علامت مذهب مرصع مشخص شده است. آیات پایانی سوره فصلت و آغاز سوره شوری در تصویر دیده می‌شود.^{۲۶} (تصویر شماره ۳) هیأت کلی تذهیب این قرآن مربوط به نیمه‌ی اول سده‌ی نهم / سوم به بعد بوده، اما در جزئیات بسیار متفاوت است. نقوش آن، نقوش متداول در تذهیب سرسوره‌های این دوره نیست. به جای طلا نیز از زعفران استفاده شده است. از طرفی، علامت هر ۵ آیه آن بسیار متفاوت از بقیه می‌باشد. خط این قرآن نیز کوفی افقی است که تأکید بر زمانی قبل از سده‌ی دهم / چهارم دارد. به نظر می‌رسد

تصویر شماره ۸
خط: کوفی، کاغذ: پوست آهو،
سده ۳ هـ ق، منبع تصاویر تهیه شده از
موزه ایران باستان



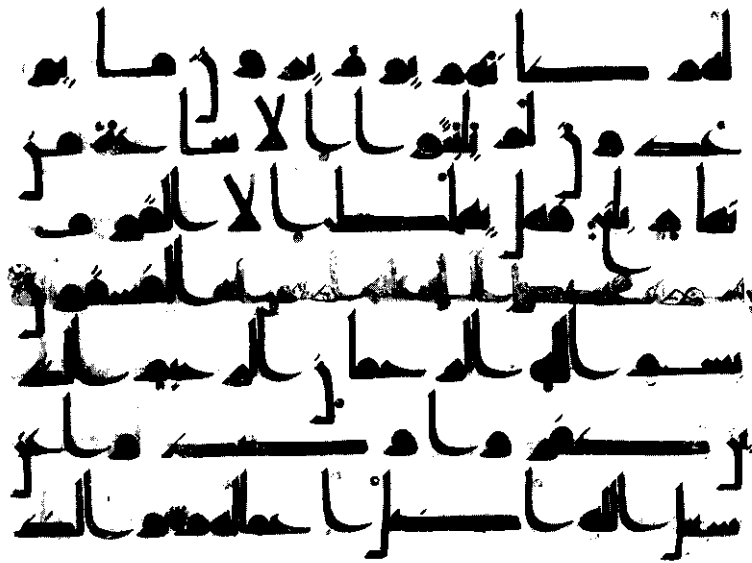
تصویر شماره ۹
خط: کوفی، کاغذ پوست آهو،
سده های ۳ هـ ق، منبع تصاویر
تهیه شده از موزه ایران باستان

این واقعه است. این خط احتمالاً مربوط به سده‌ی دهم - چهارم می‌باشد. این قرآن توسط شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی وقف شده است.^{۲۴} (تصویر شماره ۶)

نسخه‌ی دیگری از قرآن کریم به خط کوفی ایرانی که متعلق به سده‌های یازدهم - دوازدهم / پنجم - ششم - و به ابعاد ۳۴/۵۲۸/۸ سانتی‌متر و در ۴۵۸ صفحه در موزه موجود می‌باشد از معدود قرآن‌های موزه اسلامی است که به خط کوفی ایرانی نوشته شده و با دیگر قرآن‌های خط کوفی بسیار متمایز می‌باشد اما متأسفانه این مصحف بخشی از یک قرآن بوده و کامل نیست. از جمله تفاوت‌های آن این است که قرآن روی کاغذ نوشته شده و این در حالی است که چون در این زمان صنعت کاغذ سازی رواج نیافته است، دیگر نظریه آتینگهاوزن در مورد آن کاربردی ندارد و می‌تواند در هر جایی از ایران نوشته شده باشد. همچنین به دلیل تفاوت چشمگیری که از لحاظ نوع خط در این قرآن‌ها مشاهده می‌شود برخی این خط را شبه کوفی یا کوفی نما و حتی خط نسخ قدیمی نامیده‌اند. تفاوت عمده‌ی این خط با کوفی اولیه در ظرافت حروف، خوانایی و سهولت در تشخیص بین حروف است. نکته مهم دیگر اینکه بر خلاف دیگر قرآن‌های کوفی متقدم که سرسوره‌ها به خط کوفی نوشته می‌شد، سرسوره در این قرآن به خط ثلث نوشته شده است. در تذهیب این قرآن به جای طلا از نقره استفاده شده البته به دلیل اکسید شدن به رنگ سیاه در آمده و جلای خود را از دست داده است. همچنین رنگ علامت‌های اعراب و اعجام از یکدیگر متمایز شده‌اند. اعراب به رنگ سبز و اعجام به

باید از نفایس زمان خود دانست و احتمالاً توسط خطاط بنامی تحریر شده است. کاغذ این قرآن از جنس پوست آهوست که شاید آن را مربوط به غرب ایران کند. این قرآن در سده‌ی هفده / یازدهم یک بار مرمت شده و وقفنامه‌ی شاه عباس (اهدا به آستان شیخ صفی) به آن الصاق شده است. اقی بودن مصحف و به خصوص سز سوره‌های تذهیب شده، این قرآن را به نیمه‌ی اول سده نهم / سوم متعلق می‌کند. هرچند این قرآن مرمت شده است، اما جلد آن، متعلق به خودش می‌باشد. علائم پایان آیات و تزئینات حاشیه‌ی تذهیب شده، اعراب به صورت نقطه‌های مذهب و سنگرف است. آیات سوره انعام و سوره اعراف^{۲۵} در تصویر دیده می‌شود. (تصویر شماره ۵)

قرآن دیگری به خط کوفی بر پوست آهو، به ابعاد ۷/۸۶۶/۹ سانتیمتر در ۴۸۷ صفحه موجود است. این قرآن که قسمتی از یک قرآن کامل است و جلد آن (جلد ضربی) در هنگام مرمت اول در زمان شاه عباس به آن الصاق شده جزو قرآن‌های وقفی شاه عباس به آستان شیخ صفی است. این قرآن از کوچک‌ترین مصحف‌های کوفی این زمان در موزه اسلامی بوده و به دلیل نوع خط کوفی که خط حجم داری است، جالب توجه می‌باشد. تاریخ احتمالی تهیه و کتابت آن را سده‌ی نهم - دهم / سوم - چهارم تشخیص داده‌اند، و به جهت نوع تذهیب که از کادر بندی استفاده شده و ترنج حاشیه نیز از نوع ترنج‌های سده‌ی نهم / سوم نبوده در آنها از رنگ نیز استفاده شده است، و دیگر اینکه تا قبل از پیدایش اقلام سته در سده‌ی دهم / چهارم مصحف‌ها اقی بوده‌اند و این تغییر رویه یعنی تغییر از فرمت اقی به عمودی بعد از



تصویر شماره ۱۰ خط: کوفی، کاغذ پوست آهو، سده‌های ۲ ه. ق.، منبع تصاویر تهیه شده از موزه ایران باستان

نتیجه:

ملاحظه شد که اکثر خطوط کوفی عربی است و به استثنای چند مورد بقیه‌ی قرآن‌ها همگی بر روی پوست آهو و در قطع بیاض‌اند. همچنین تقریباً همه‌ی قرآن‌ها دارای اعراب‌گذاری به رنگ قرمز شنگرف و پایانه‌های مذهب در آخر دسته‌های ۵ و ۱۰ و ... آیه‌هاست. بنابراین در نگاه اول تمام این قرآن‌ها شبیه به هم به نظر می‌رسند اما تفاوت‌هایی نیز در نوع خط، نوع تذهیب و نوع صفحه بندی و سطر بندی هریک از این قرآن‌ها دیده می‌شود.

با قرار دادن قرآن‌های مذکور در کنار هم، به روشنی دیده می‌شود که تقریباً به تعداد قرآن‌های موجود می‌توان خطاط در نظر گرفت، هرچند هیچ‌گونه رقم مشخصی در پای این قرآن‌ها دیده نمی‌شود. البته تعدادی از این قرآن‌ها نیز به نظر بسیار شبیه به هم می‌آیند که چون بقیه‌ی عوامل آنها نیز شبیه به هم هستند امکان آنکه خطاطان مشترکی داشته باشند را، فراهم می‌آورد.

نه تنها تذهیب این قرآن‌ها در دوره‌های مختلف متفاوت‌اند، بلکه قرآن‌های یک عصر واحد نیز از تنوع تذهیب برخوردار هستند. هر چند تعداد کمی از این قرآن‌ها بسیار نفیس می‌باشند اما تقریباً می‌توان گفت که هیچ‌کدام به لحاظ مسائل فنی بی اهمیت یا حتی معمولی نیستند. به خصوص با مصرف طلا در قسمت تذهیب شده‌ی آنها این فکر تقویت می‌شود که این قرآن‌ها، برای عموم تهیه نشده بوده است. چراکه در قرآن‌های معمولی به جای طلا از آب زعفران استفاده می‌شده است.

رشد بصری هنرمندان مذهب در ایجاد تذهیب‌های غنی تنها زیباسازی آنها نیست بلکه میزان و نوع حمایت حامیان و سفارش‌دهندگان از این هنرمندان نیز در کارشان دخیل است. ماده اصلی در تذهیب طلا است. یعنی فلزی گرانبه‌ای که تهیه و استفاده آن در کتاب برای هر کس مقذور نبوده است پس می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت غنی بودن تذهیب در دو قرآن متعلق به یک دوره و زمان به علت عدم حمایت مناسب یا حتی کم بودن قدرت مالی سفارش دهنده، نیز می‌تواند باشد.

رنگ قرمز بوده و علامت پایان آیات آن هم نه به صورت ساده یا گل بلکه به صورت یک شمشه الوان می‌باشد. این نکته نیز قابل ذکر است که جلد این قرآن جلد ضربی الصاقی و مربوط به سده‌ی هفدهم / یازدهم در زمان مرمت اول آن است.^{۲۷} در تصویر شماره ۷ آیات ۱ تا ۸ سوره القلم دیده می‌شود.^{۲۸} قرآن بعدی در موزه در آستان شیخ صفی‌الدین اردبیلی کشف شده و از طرف شاه عباس به این آستان وقف گردیده است. ابعاد آن ۱۵/۹×۱۰/۴ سانتی‌متر و بر روس پوست آهو به خط کوفی نوشته شده است. بر اساس صفحات نوشتاری این قرآن بدون تذهیب بوده در صورتی که تذهیب دو صفحه آخر آن نشان می‌دهد این امر به عمد صورت گرفته، یعنی این که کتاب در حالی تحریر شده که فن مذهب سازی شناخته شده اما از تزئین عناوین سوره‌ها و ... هنوز استفاده نمی‌شده است. فواصل کلمات با دوایر سبز و شنگرف و دو صفحه آخر با زر و لاجورد تزئین شده است. (تصویر شماره ۸)

قرآن دیگری از موزه با ابعاد ۱۷×۱۰ سانتی‌متر بر روی پوست آهو به خط کوفی نوشته شده است. صفحه‌بندی این قرآن بسیار شبیه به قرآن‌های اولیه است؛ تاریخ آن را به سده‌ی هشتم / دوم نزدیک تر می‌نماید. (تصویر شماره ۹)

در نمونه بعدی نیز قرآنی به ابعاد ۳۲/۵×۲۴ سانتی‌متر است که به خط کوفی بر پوست آهو نوشته شده است. این قرآن بنا به افقی بودن مصحف و نوع تذهیب آن که دارای عناوین سوره‌های تذهیب شده و مزین به زر و زعفران، ترنج‌های حواشی تذهیب شده به شنگرف و لاجورد و صفحه آخر تمام تذهیب شده با اعراب و اعجام با علایم سبز و شنگرف و شمشه و گل‌های کوچک طلا است، متعلق به نیمه اول سده نهم / سوم می‌نمایند. با این حال استفاده از زعفران و لاجورد و شنگرف در تذهیب در سده‌ی دهم / چهارم رایج شد. کشیدگی حروف آن از زیبایی خاصی برخوردار است که آن را از سایر قرآن‌های مهم دوره‌ی خود در این موزه متمایز می‌سازد. (تصویر شماره ۱۰)

پانویست‌ها:

الْإِنْسَانَ أَعْرَضَ وَنَا بَجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ؛ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلَّ مَنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ؛ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ» و سوره شوری «حم: عسق».

۲۱- افروند - قدیر، گلچینی از قرآنهاى خطی موزه دوران اسلامی، پیشین، ص ۲۹.

۲۲- آیات ۳۸ تا پایان سوره عبس «... مُسْفِرَةٌ؛ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ؛ وَ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ؛ تَرَاهُهَا قَتْرَةٌ؛ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ» و سوره تکویر «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ؛ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ؛ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ؛ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ؛ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ؛ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ؛ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ»

۲۳- قدیرافروند، گلچینی از قرآنهاى خطی موزه دوران اسلامی، پیشین، ص ۳۱.

۲۴- آیات ۱۶۱ به بعد سوره انعام «... مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ قُلْ إِنْ صَلَّيْتَ وَنَسَّكَيَ وَمَخَبَّيَ وَمَمَاتِيَّ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ؛ قُلْ أَغْفِرُ اللَّهُ أُنْبِيَّ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ؛ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِيهِ مَا أَنَاكُمْ إِنْ رَبِّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَلْفُتُورِ رَحِيمٌ» و سوره اعراف «المص: كَيْتَبُ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صُدْرِكَ حَرْجٌ مَنَّهُ لَتَتَذَذَرَ بِهِ وَذَكَرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ إِتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ؛ وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا نَيِّبًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ؛ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا...».

۲۵- قدیرافروند، گلچینی از قرآنهاى خطی موزه دوران اسلامی، پیشین، ص ۳۷.

۲۶- همان، ص ۳۹.

۲۷- همان، ص ۴۱.

۲۸- «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛؛ فَلَا تَطِعِ الْمُكَذِّبِينَ»

فهرست منابع

۱. آتینگهاوزن، شرانو، بمباجی، هنر ساسانی و غزنوی، یعقوب آژند، تهران:

انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶

۲. افروند، قدیر، گلچینی از قرآنهاى خطی موزه دوران اسلامی، تهران: موزه

ملی ایران چاپ اول، ۱۳۷۵.

۳. خطیب، عبدالکبیر، عظمت خطاطی اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۵.

۴. پاکباز، روئین، دایره المعارف هنر (نقاشی، بیکره‌سازی و هنر گرافیک)،

تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.

۵. شریفزاده، سیدعبدالمجید تاریخ نگارگری در ایران، تهران: حوزه هنری

سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۶. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، موسسه لغتنامه

دهخدا، ۱۳۲۵

۷. لینگز، مارتین. هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه‌ی مهرداد قیومی

بیدهندی، تهران ۱۳۷۷.

۸. موزه ملی ایران، ۱۳۷۶، ۸۷/۱۲/۲۶

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

۹. موزه ملی ایران، ۱۳۷۶، ۸۷/۱۲/۲۶

[http://www.nationalmuseumofiran.ir/Web-](http://www.nationalmuseumofiran.ir/Web-Forms/Fa/General/About.aspx)

[Forms/Fa/General/About.aspx](http://www.nationalmuseumofiran.ir/Web-Forms/Fa/General/About.aspx)

۱- پاکباز، روئین، دایره‌المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸، ص

۲۰۷

۲- سوره القلم، آیه ۱

۳- سوره العلق، آیه ۴

۴- خوشنویسی اسلامی، پایگاه ویکی پدیا، ۹۰:۰۰

۵- <http://fa.wikipedia.org/wiki> ، ۱۷/۱/۸۸

۵- قدیرافروند، گلچینی از قرآنهاى خطی موزه دوران اسلامی، تهران، موزه

ملی ایران، ج اول، ۱۳۷۵، ص ۴

۶- عبد الکبیر خطیبی، عظمت خطاطی اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۵ ص

۱۲۱

۷- رجوع شود به «عبدالکبیر خطیبی، عظمت خطاطی اسلامی، فصلنامه هنر،

ش ۵، ص ۱۲۱.

۸- علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، موسسه لغتنامه

دهخدا، ۱۳۲۵

۹- رجوع شود به: مارتین لینگز، هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه مهرداد

قیومی بیدهندی، تهران ۱۳۷۷، صص ۷۱-۷۰.

۱۰- رجوع شود به: عبدالمجید شریفزاده، تاریخ نگارگری در ایران، تهران،

حوزه هنری، ۱۳۷۵، ص ۷۸.

۱۱- رجوع شود به: فرانسس دروش سبک عباسی، پیام بهتاش، گردآوری

ناصر خلیلی، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۷۹، ص ۱۷.

۱۲- سید عبدالمجید شریف زاده، تاریخ نگارگری در ایران، تهران، حوزه

هنری، ۱۳۷۵، ص ۷۸

۱۳- آتینگهاوزن، شرانو، بمباجی، هنر سامانی و غزنوی، یعقوب آژند، تهران،

انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۳۸

۱۴- این اشیاء معرف فرهنگ و هنر دوران اسلامی می باشند و اکثر آنها از

طریق کاوشهای باستان شناسی به دست آمده اند و برخی از آنها نیز اهدا و یا به

طور اتفاقی کشف شده اند. نمونه‌های متنوعی از اشیاء و آثار هنری دوران مختلف

در موزه دوران اسلامی به نمایش در آمده است. این موزه شامل سه طبقه می‌باشد.

در طبقه اول آن، سالن اجتماعات و نمایشگاه موقت قرار دارد. در طبقه دوم نمایش

اشیاء بصورت موضوعی می‌باشد و شامل گنجینه قرآن، نسخ خطی (شامل کتب

علمی، ادبی، تاریخی) و موضوعاتی چون نقاشی و خوشنویسی، ادوات و ابزار

کتابت، وسائل روشنایی، ابزار نجوم، ابزار پزشکی، و هنرهای چون سفالگری،

فلزکاری، منسوجات و ... است. در طبقه سوم اشیاء بر اساس سیر تاریخی و با

تکیه بر تزیینات معماری ارائه شده است. موزه ملی ایران، ۱۳۷۶، ۸۷/۱۲/۲۶،

<http://www.nationalmuseumofiran.ir/WebForms/Fa/>

[General/About.aspx](http://www.nationalmuseumofiran.ir/Web-Forms/Fa/General/About.aspx)

۱۵- «... فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَضْفَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي

كِتَابٍ مُبِينٍ؛ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا...».

۱۶- افروند - قدیر، گلچینی از قرآنهاى خطی موزه دوران اسلامی، پیشین،

ص ۲۱.

۱۷- پایان سوره نوح (وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا) و آغاز سوره جن (قُلْ

أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ ...)

۱۸- «کتابه و ذهبه علی بن ابی طالب سبع هجریه».

۱۹- قدیرافروند، گلچینی از قرآنهاى خطی موزه دوران اسلامی، پیشین، ص

۲۳

۲۰- سوره فصلت آیات ۵۴ تا ۵۴، «... مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ؛ وَإِذَا أَعْمَنَّا عَلَىٰ